

اگر سه سال پیش می مرد!

بلافاصله این سؤال در ذهن آنان شکل گرفت که اگر سه سال پیش خمینی مرده بود، چه انبوه بیشماری از انسان ها که اکنون جان در بدن داشتند، چه مصائبی که مردم زجر دیده ایران از تحملش رهایی می یافتند و چه جنایات خوفناکی که انجام نمی یافت. منشأ این سؤال و حسرت را باید در واقعیت وسعت جنایات و بدبختی هایی دید که شخص خمینی مسئول درجه اول و مستقیم آن بوده است.

قابل تصور و بسیار محتمل است که در صورتی بقیه در صفحه ۳

به دنبال مرگ خمینی پزشکی که از دیرباز معالجه و مراقبت از او را برعهده داشته اند، فاش کردند که خمینی یک بار سه سال پیش تا آستانه مرگ پیش رفت اما با تلاش پزشکان از چنگال مرگ رهایی یافت. پزشکان معالج خمینی در این مصاحبه گفتند که خمینی سه سال پیش در حالی که تنها بوده سگته کرده است. پزشکان در حالی که تنفس و نبض خمینی قطع شده و دچار مرگ بالینی شده بود به بالای سر او رسیده اند. او تنها توانسته بود زنگ خطر را به صدا در آورد. با انتشار این خبر آه حسرت از نهاد بسیاری از ایرانیان بر خاست و

اگر

نشریه سازمان فداییان خلق ایران (اکتوب) در خارج از کشور

دوشنبه ۵ تیر ۱۳۶۸ برابر با ۲۶ ژوئن ۱۹۸۹

بها ۶۰ ریال سال ششم شماره ۲۶۳

جنگ میراث برگور خمینی

* ۱۸۰ نماینده مجلس شورای اسلامی در نامه ای نسبت به اختیارات خامنه ای به عنوان رهبر رژیم اعتراض کردند

۸ تیر روز شهدای فدایی خلق گرامی باد!

هشتم تیرماه، سالروز شهادت رفیق حمید اشرف، از بنیانگذاران و رهبران برجسته سازمان، و ده تن دیگر از رهبران و کادرهای ارزشمند سازمان رفقا یوسف قانع خشک بیجاری، محمد رضا یثربی، محمد حسین حق نواز، علی اکبر وزیر، طاهره خرم، لایق مهربانی، فاطمه حسینی، محمد مهدی فوقانی، فلامعلی خراط پور و مسگر حسینی ابرده است. این رفقا در چنین روزی از سال ۵۵ پس از نبرد تهرانانه و حماسی با ماموران ساواک شاه، که پس از پیگردهای چندساله به محل اختفا آنان هجوم آورده بودند، همگی به شهادت رسیدند.

سازمان ما به پاس نقش برجسته رفیق حمید اشرف و همزمان او در سازمان و جنبش، ۸ تیر را روز شهیدان فدایی اعلام کرده است.

در این روز تمامی رفقای رهبری سازمان بشهادت رسیدند. اما این اولین بار نبود که تمام یا بخشی از رهبران سازمان در راه آرمانهای بقیه در صفحه ۶

به رهبر جدید آن است و در نظام ضدبشری جمهوری اسلامی که اصل ولایت فقیه بنیان ساختار سیاسی آن را تشکیل می داد و هنوز رسماً بر این روال است، این امر معنایی جز نفی اصل ولایت فقیه ندارد.

بر مبنای تعالیم ایدئولوژیک حکومت اسلامی، انسان صلاحیت تدوین و وضع قانون را ندارد. قوانین توسط "شارع مقدس" (خدا) تدوین شده و تنها می تواند توسط نماینده او (ولی فقیه) تفسیر و اجرا گردد.

در رژیم ولایت فقیه می بایست قدرت اجرایی و رهبری در دست مرجع تقلید متمرکز گردد. در برابر ولایت او هیچ اراده دیگر و حتی اراده "تمامی امت" پیشیزی ارزش ندارد. خود خمینی، بارها این امر را در رابطه با ادامه جنگ ابراز داشته بود. بر مبنای این تعالیم امت به چوپانی ولایت فقیه نیاز دارد و نه تنها اراده که حتی جان تمامی آنان نیز در برابر اراده بقیه در صفحه ۲

هنوز خاک گور خمینی خشک نشده است که وارثان خلافتش بر سر سمع خود از میراث اختیارات سیاسی و مذهبی او جدال شدید و پنهانی خویش را بر ملا کرده اند. این اختلاطات و درگیری ها که ریشه در بحران ساختاری یک حکومت قرون وسطایی در یک جامعه بحران زده دارد، بر بستر ویژگی های یک حکومت آخوندی هردم حادث شده و اینک با مرگ خمینی روند حدت یابی آن شتاب بیشتری می گیرد.

روز چهارشنبه ۳۱ خرداد، ۱۸۰ تن از اعضای مجلس شورای اسلامی طی نامه ای به شورای بازنگری قانون اساسی، نسبت به مصوبات آن در زمینه اعطای اختیار انحلال مجلس به رهبر حکومت اعتراض کردند. در این نامه آمده است که اعطای اختیار انحلال مجلس به رهبر جدید با اصل مردمی بودن نظام تناقض دارد.

مخالفت این نمایندگان با مصوبه مزبور در حقیقت مخالفت با تفویض اختیارات ولایت فقیه

محاصره شهر جلال آباد درهم شکسته شد

مجاهدین که در نبردهای قطعی پیرامون شهر جلال آباد به سختی شکست خورده و خسارات عظیمی دیده اند، بنا به نوشته روزنامه های غربی روحیه تعاجمی خود را به کلی از دست داده اند. اکنون دولت های آمریکا و پاکستان دوباره به فکر راه حل سیاسی مسئله افتاده اند. یک سخنگوی وزارت خارجه پاکستان در اسلام آباد پیشنهاد کرده است که دولت دکتور نجیب الله با یک دولت متشکل از تکنوکرات ها که وابسته به شورشیان مسلح نباشد جایگزین شود. رسول سایجف نخست وزیر به اصطلاح دولت گذار ضدانقلابیون نیز با پذیرش این راه حل ناامیدی ضدانقلاب را برای استقرار حکومت خود آشکار کرده است.

همانطور که دولت افغانستان بارها تاکید کرده است که مسئله افغانستان راه حل نظامی ندارد، اکنون به نظر می رسد که دولت های آمریکا و پاکستان نیز رفته رفته چاره ای جز پذیرش این واقعیت نخواهند داشت.

بنا به گزارش خبرگزاری باختر ارتش افغانستان شورشیان مسلح رادر شرق جلال آباد به عقب راند و آن ها را وادار به عقب نشینی به داخل خاک پاکستان کرد. به این ترتیب محاصره شهر جلال آباد درهم شکسته شد. سخنگوی وزارت امور خارجه افغانستان محمد نبی امانی گفت که شهر خوشگومباد که در ۳۵ کیلومتری شرق جلال آباد قرار دارد و دارای یک فرودگاه است، به اشغال مجدد نیروهای دولتی در آمده است. او افزود "ما دیگر از مواضع خود دفاع نمی کنیم بلکه در تعاجم به سر می بریم".

جلال آباد که ماه ها در محاصره ضدانقلاب قرار داشت اینک امنیت خود را باز یافته و از تیررس ضدانقلابیون خارج شده است.

پیتر تامسون به نمایندگی از جانب ایالات متحده آمریکا به زودی به پاکستان سفر خواهد کرد تا به رهبران شورشی تضمین دهد که کماکان از طرف آمریکا مورد پشتیبانی قرار خواهند گرفت.

در این شماره

- سررویدادها در چین در تضاد با آرمان های سوسیالیستی است
در صفحه ۱۲
- کشتار مردم فلسطین توسط ارتش اسرائیل
در صفحه ۱۲
- بناسیت سالکرد
هجوم فاشیسم هیتلری به اتحاد شوروی
در صفحه ۸
- ناآرامی در کازاخستان
صفحه ۱۱
- بحث و گفتگو در مورد مسائل ایدئولوژیک مناسبات بین خلق ها
در صفحه ۱۰

جنگ میراث برگور خمینی

بقیه از صفحه اول

مدفون تا چاپ تاییدیه از این یا آن آیت الله. روزنامه کیهان در شماره ۲۱ خرداد خود توضیحات چند تن از نمایندگان مجلس خبرگان پیرامون نحوه انتخاب خامنه‌ای را به چاپ رسانده است. در این توضیحات کوشش شده است انتخاب خامنه‌ای، براساس توصیه خمینی قلمداد شود. در مطلب آمده است: "ابتدا رهبری به صورت شورایی ۳ نفری و ۵ نفری مطرح، که پس از سخنان مخالف و موافق به‌اری گذاشته شد و رد گردید.

... در این زمان یکی از آقایان در مجلس با صدای بلند خطاب به آقای هاشمی رفسنجانی گفت "چرا آن چیزی که می‌دانید شهادت نمی‌دهید؟" پس از اینکه یک بار دیگر تکرار گردید، آقای موسوی اردبیلی گفت "من هم در آن شهادت بودم". سپس آقای هاشمی رفسنجانی ادامه داد اگر قرار است من شهادت بدهم آن شهادت چنین است... وقتی که ما گفتیم کسی را برای رهبری نداریم، امام فرمود چرا آقای "خامنه‌ای هست". و این در حالی است که هنوز مدت زیادی از تودهنی هلنی خمینی به خامنه‌ای نمی‌گذرد. خمینی در دی ماه ۶۶ به خامنه‌ای گفت که او احکام ولایت مطلقه را که "بر جمیع احکام فریبه الهی تقدم دارد" را نمی‌فهمد و از او خواست که هلنا توبه کند.

اما حد درهم ریختگی رژیم و تضاد فاحش بنیان ساختار سیاسی آن با واقعیت جامعه و جهان امروز به حدی است که نه تلاش برای قبولاندن خامنه‌ای به عنوان یک رهبر سیاسی و مذهبی بر امت حزب الله و منکوب کردن رقبای درون حکومت و نه تلاش برای حفظ نظام ولایت فقیه در وجود دو آخوند (اراکنی و خامنه‌ای) چاره ساز این نظام ضد مردمی نخواهد بود. هنوز خاک گور خمینی خشک نشده، بارگاه خلافت به ارث گذاشته شده‌اش تاراج می‌شود.

ولی فقیه به حساب نمی‌آید. در جریان تشییع جنازه خمینی این شعار را بر زبان امت حزب الله جاری ساخته بودند که "ای کاش امت مرده بود، مرگ تو را ندیده بود".

در زمان حیات خمینی طراح اصلی نظام ولایت فقیه کسی از حکومتیان جرات نداشت این حد از اختیارات رهبری را متناقض با "اصل مردمی بودن نظام" بداند. اینک که او سر در گور نهاده است جنگ قدرت خود را بدین شکل به نمایش می‌گذارد.

حریفان نیز به دفاع از خامنه‌ای برخاسته‌اند. تهران تایمز نشریه انگلیسی زبان حکومت در شماره ۳۱ خرداد خود نوشت: "اگر رهبر حکومت از اختیار تام برای انحلال مجلس برخوردار شود می‌تواند از آن برای جلوگیری از ایجاد بحران‌های شدید سیاسی در کشور استفاده کند".

مرصه دیگر جنگ که آن هم بحران ساختار سیاسی رژیم را به خوبی بیانگر است، امر جدا کردن رهبری از مرجعیت است. سردمداران رژیم که نتوانسته‌اند هیچ‌کس از رهبران حکومت را که کم‌وبیش مورد قبول اکثر حکومتیان بوده و درجه آخوندی و نفوذ سیاسی‌اش هم بالا باشد، بیابند، به ناچار خامنه‌ای را به این سمت برگزیده و او را با یک درجه ترفیع ملقب به آیت الله کردند. از آنجا که به هیچ وجه نمی‌توانستند او را به عنوان مرجع تقلید به امت حزب الله قبولانند، آخوندی از رده آیات عظام به نام اراکی را یافتند تا در قبال حمایت از او به عنوان مرجع تقلید، متقابلاً او حکومتگران را از وجود و حمایت مرجع تقلیدی مورد اعتماد بهره‌مند سازد. صفحات روزنامه‌های دولتی مملو است از تأیید مرجعیت اراکی توسط این یا آن آخوند حکومتی: جوادی آملی، صائقی، نوری، بنی‌فضل، ... و به موازات آن انجام اقدامات برای تقویت مواضع خامنه‌ای از گرفتن سنار ش‌نامه از خمینی

از مبارزات پناهندگان ایرانی در ژاپن

ژاپن یک کنفرانس مطبوعاتی برگزار کرد که در بسیاری از روزنامه‌های کثیرالانتشار ژاپن انعکاس یافت. در برگزاری این کنفرانس کمیته دفاع از مردم ایران سهم شایسته‌ای داشت.

در پی اقدام به خودکشی یک خانم ایرانی که تقاضای پناهندگی از طرف دولت ژاپن رد شده بود، دولت ژاپن و دفتر پناهندگان سازمان ملل در ژاپن تلاش بسیار کرد تا این خبر انعکاس بیرونی نیابد و تلاش شد تا اقدام به خودکشی این خانم را نتیجه اختلافات زناشویی قلمداد کنند. بخاطر تلاش انجمن ایرانیان متقاضی پناهندگی در ژاپن و تماس با روزنامه انگلیسی زبان ژاپن تایمز این خبر در روزنامه چاپ گردید و موجی از حرکات پشتیبانی از جانب مردم ژاپن و نیروها و سازمانهای مترقی را در پی داشت. با انعکاس این خبر اقدامات متعددی از جانب وزارت امور خارجه ژاپن و سفارت ایران، دفتر پناهندگی سازمان ملل و اداره مهاجرت ژاپن در جهت لوذ کردن مسئله آغاز شد.

لازم به توضیح است که سیاستهای فلت و ضد کنوانسیون حقوق پناهندگی دولت ژاپن که خود یکی از امضا کنندگان آن بشمار می‌رود، در قبال متقاضیان پناهندگی ایرانی، تأثیرات مخربی بر زندگی آنها بجا نموده است. مبارزات پناهندگان ایرانی در ژاپن تا تحقق خواسته‌های برحقشان ادامه خواهد یافت.

میلیونها تن از هم میهنانمان در نتیجه سیاست سرکوب و اختناق قرون وسطایی رژیم جمهوری اسلامی آواره کشورهای مختلف جهان شده‌اند. فشارهای روحی و جسمی ناشی از زندگی پناهندگی باعث ایجاد هوارض جبران ناپذیری بر هم وطنانمان شده است. در زیر بخشهایی از اخبار زندگی و مبارزات پناهندگان در ژاپن رابه اطلاع خوانندگان اکثريت می‌رسانیم.

روز دوشنبه مورخ ۱۳ مارس یک حرکت اعتراضی از جانب انجمن پناهندگان و متقاضیان پناهندگی ایرانی در ژاپن بعنوان اعتراض به نقض حقوق پناهندگی از جانب دولت ژاپن سازماندهی شد. اخبار این حرکت اعتراضی که در دفتر امور پناهندگی ژاپن صورت گرفت، از طریق رسانه‌های گروهی ژاپنی منتشر گردید. همده خواسته‌های پناهندگان در ژاپن عبارتند از:

- آزادی پناهندگانی که در زندان بسر می‌برند و تقاضای پناهندگی‌شان رد شده است.
- اعزام هیأتی برای رسیدگی به وضعیت نابسامان پناهندگان
- ارائه یک راه حل پایدار از طرف دولت ژاپن برای مسئله پناهندگی
- پذیرش تقاضای پناهندگی و دادن پاسپورت پناهندگی از طرف دولت ژاپن و یا ایجاد امکانات لازم برای انتقال متقاضیان پناهندگی به کشور ثالث.
- روز دهم آوریل انجمن ایرانیان متقاضی پناهندگی در

توطئه علیه پناهندگان در یونان

تقطع و قوانین جدیدی برای پناهندگان وضع خواهد شد، تقویت شده است. دیدارها و تماس‌های نمایندگان رژیم جمهوری اسلامی با دفتر پناهندگی سازمان ملل مورد اشاء پناهندگان قرار گرفته است.

در پی دیدار غیررسمی یکی از کارداران سفارت جمهوری اسلامی با رئیس دفتر پناهندگی سازمان ملل در آتن تلاشهایی در جهت تشدید فشار بر پناهندگان ایرانی صورت گرفت. به دنبال این دیدار شایعه اینکه حقوق پناهنده‌ها

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

اگر سه سال پیش می مرد!

بقیه از صفحه اول

اردیبهشت ۶۷
- تصرف فاو توسط عراق و کشته شدن هزاران سرباز و بسیجی ایرانی
- تصرف شلمچه توسط عراق و کشته و زخمی شدن هدهای بیشمار خرداد-تیر ۶۷
- آفاز به اعدام برخی از زندانیان سیاسی پس از پذیرش قطعنامه صلح
نیمه دوم تابستان و یائیز ۶۷
- انجام هولناک ترین جنایت در تاریخ معاصر ایران در قتل عام زندانیان سیاسی، در قتل عام زندانیان سیاسی ایران که به دستور مستقیم شخص خمینی صورت گرفت چندین هزار زندانی سیاسی کشتار شدند، کشتار زندانیان سیاسی باقیمانده، با ترندهای گوناگون اینجا و آنجا به عنوان ارنیه شوم و ادامه اجرای دستور خمینی ددمنش هنوز هم ادامه دارد...

اگر سه سال پیش می مرد!

انجامید
- بمباران یک مدرسه در بروجرد و کشته شدن ۷۰ کودک معصوم
- کشته شدن ۱۰۰۰ نفر در بمباران ارومیه خرداد ۶۶
- آفاز عملیات کربلای ۸ و ۹ همراه با تلفات بسیار
- انجام عملیات فتح مرو نصر و ۳ که به کشته شدن چند هزار جوان انجامید
تیرماه ۶۶
- بمباران شیمیایی سردشت توسط عراق
اسفندماه
آفاز جنگ مجدد شهرها، این دور مسابقه جنایت دور رژیم تا ۲ ماه ادامه یافت، در طی این مدت ۱۹۰ موشک به شهرهای ایران پرتاب شد و چندین هزار نفر از مردم بویژه در شهر تهران کشته شدند.
فروردین ۱۳۶۷
- بمباران شیمیایی حلبچه توسط رژیم عراق و کشته شدن ۵۰۰۰ انسان بیگناه

اطراف دریاچه مصنوعی "مامی" همراه با ۷۰۰۰۰ کشته (۴۵۰۰۰ نفر ایرانی و ۲۵۰۰۰ عراقی)
- آفاز جنگ شهرها (از ۱۹ دی تا ۳۰ بهمن) ۵۶ شهر میهن ۲۶۴ بار مورد حمله هوایی نیروهای عراقی قرار گرفت و بیش از ۳۰۰۰ نفر کشته و ۱۱ هزار نفر مجروح شدند.
- انجام عملیات کربلای ۶ و کشته شدن بسیاری از مردم
- ۲۵ دی مدرسه ای در بروجرد بمباران شد و ۶۵ کودک خردسال قتل عام شدند
- بمباران مدرسه ای در میانه و کشته شدن ۹۰ دختر دانش آموز و معلول شدن ۱۵۰ تن
- حملات موشکی به بغداد و کشته شدن صدها نفر از مردم بیگناه عراق
- بمباران باختران، خرم آباد، تهران، تبریز، اصفهان، دزفول بهمن ۶۵
- ادامه حملات موشکی به عراق و درگیری های شدید در اطراف دریاچه مامی و شلمچه. این درگیری ها به کشته شدن هدهد بیشماری از نیروهای دوطرف

که همان سه سال پیش مرگ بالینی خمینی مرگ واقعی او می شد، سیر رویدادها بویژه مساله جنگ روال دیگری را می پیمود.
در زیر نمونه هایی از همده ترین تلفات انسانی در فاصله مرگ بالینی تا مرگ واقعی خمینی را ذکر می کنیم. آمار انبوه انسان هایی را که شاید با همان اتفاق ساده اکنون زندگانی بودند در آقوش بستگان و جامعه خود، این آمار تنها همده ترین موارد قربانیان زندگی ننگین سه ساله اخیر خمینی را شامل می شود و تنها بر آمار رسمی اعلام شده تکیه شده است. آمار واقعی تلفات انسانی در مواردی به مراتب بیش از آمار رسمی بوده است.
دی ماه ۱۳۶۵
- آفاز عملیات کربلای ۴ و کشته شدن بیش از ۳۲۰۰۰ نفر
- حمله هوایی به شهر باختران و کشته و زخمی شدن جمع کثیری از مردم
- انجام عملیات کربلای ۵ در

ترکیه در این مورد نوشتند "خمینی مسلمان نبوده است، چرا که جسد یک مسلمان از تابوت نمی افتد" همین امر باعث ناخشنودی شدید جمهوری اسلامی شد و هلی محمد بشارتی قائم مقام وزارت امور خارجه این امر را به اطلاع سفیر ترکیه رساند. در همین رابطه در تاریخ ۱۹ خرداد حمله ای نیز از سوی جمعی حزب الهی به سفارت ترکیه در تهران صورت گرفت.

جسد خمینی در حین سقوط

عکس زیر که جسد خمینی را با کفن پاره شده در حال سقوط از تابوت نشان می دهد، در بسیاری نشریات جهان به چاپ رسیده است. مریدان خمینی با کشیدن کفن وی، او را به این روز انداخته اند. برخی نشریات در



انتخابات ریاست جمهوری

سه هفته جلو کشیده شد

وزارت کشور حکومت اسلامی طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد: در اجرای اصول ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۹ قانون اساسی و مفاد قانون ریاست جمهوری، انتخابات ریاست جمهوری جمعه ۶ مرداد ماه ۱۳۶۸ برابر با ۲۸ ژوئیه در داخل و خارج کشور بطور همزمان برگزار خواهد شد. در این اطلاعیه گفته می‌شود: متقاضیان کاندیداتوری پست ریاست جمهوری همراه با مدارک اعلام شده می‌توانند از چهارشنبه ۷ تیرماه تا یکشنبه ۱۱ تیرماه بمدت ۵ روز به ستاد انتخابات ریاست جمهوری جهت ثبت نام مراجعه نمایند. ضمناً همزمان با این انتخابات همه‌پرسی برای تغییرات در قانون اساسی نیز برگزار می‌شود. تغییر در زمان انجام انتخابات ریاست جمهوری در شرایطی صورت می‌گیرد که امر حذف پست نخست‌وزیری و تمرکز قدرت اجراییه در دست رئیس‌جمهور به تصویب شورای بازنگری قانون اساسی رسیده است. گفته می‌شود تغییر در زمان انتخابات ریاست جمهوری، با هدف سرعت بخشیدن به روند تمرکز قدرت اجرائی و جلوگیری از افزایش کاندیداها صورت می‌گیرد. لازم به یادآوری است که تاکنون برای احراز پست ریاست جمهوری بجز هاشمی رفسنجانی کسی خود را به عنوان کاندیدای این مقام معرفی نکرده است.

۱۹ تن دیگر اعدام شدند

ستاد مبارزه با مواد مخدر طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد که ۱۹ تن دیگر به اتهام خرید و فروش ۷۳۰ کیلوگرم مواد مخدر و خرید و فروش سلاح و اموال منافی هفت و روابط نامشروع توسط دادگاه‌های حکومت اسلامی به جوشه اعدام سپرده شده‌اند.

این ۱۹ تن در شهرهای شیراز، فسا، اصفهان، اراک و رشت در ملاء عام حلق آویز شده‌اند. بر طبق این اطلاعیه ۳ نفر از اعدام شدگان زن بوده‌اند که در شهرستان شیراز اعدام گردیده‌اند. با اعدام این افراد که بر اساس قانون تشدید مجازات قاچاقچیان از سوی حکومت اسلامی صورت می‌گیرد شمار افرادی که به این اتهام از پنج‌ماه پیش تاکنون به چوبه‌دار سپرده شده‌اند، به حدود ۷۰۰ تن می‌رسد. بعد از اعلام سیاست جدید حکومت در مبارزه با قاچاقچیان علاوه بر تعداد فوق دهها تن دیگر در برخورد با مأمورین حکومتی به هلاکت رسیده‌اند. لازم به یادآوری است که در هفته سوم خردادماه از سوی مدیر کل اداره مبارزه با مواد مخدر اعلام شد که بزودی ۵۰۰ نفر از کسانی که به اتهام قاچاق مواد مخدر دستگیر شده‌اند اعدام خواهند شد. وی در همین زمینه افزود که در طی ۴ ماه از اول بهمن ماه ۶۷ تا اول خرداد ماه گذشته تعداد ۲۷۰۰ نفر به اتهام خرید و فروش مواد مخدر دستگیر شده‌اند.

سفر رفسنجانی به شوروی

رفسنجانی با تأکید بر وجود زمینه‌های تفاهم و همکاری بین دو کشور در این زمینه گفت: مسئله افغانستان و جنگ مانع از این شد که طرفین به توسعه مناسبات خود و گسترش همکاری‌ها بپردازند.

در پایان دیدار هیئت جمهوری اسلامی بیانیه مشترکی بطور همزمان در تهران و مسکو انتشار یافت. در این بیانیه بر اهمیت گسترش مناسبات در همه زمینه‌ها و اجرای برنامه‌های همکاری‌های اقتصادی - بازرگانی - فنی و علمی تأکید شده است. همچنین گفته می‌شود که طرفین سلسله قراردادهایی را در زمینه‌های مزبور امضا کردند که تعهداتی را نسبت به تأمین منافع کشور مقابل تا سال ۲۰۰۰ میلادی ایجاد می‌نماید. ایران و شوروی بر لزوم حسن همجواری و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر تأکید کرده و مرز طولانی ایران و شوروی را مرز دوستی و همکاری نامیدند. در این بیانیه ضمن پشتیبانی از اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت برای برقراری صلح میان ایران و عراق، قرارداد الجزایر مورد پشتیبانی قرار گرفته است. همچنین طرفین مواضع خود را در مورد مسائل افغانستان و تحولات آن اعلام نمودند.

در زمینه مناسبات سیاسی دو کشور گفته شد که در چارچوب توافق‌های انجام شده، طرفین موافقت کردند که دیدار مقامات بلندپایه دو کشور ادامه یابد.

بر اساس توافق‌های انجام شده، قرار است ایران سالیانه ۳ میلیون متر مکعب گاز به شوروی صادر کند و در ازاء آن ابتدائاً شوروی مبلغ ۲ میلیارد دلار به ایران بپردازد.

در زمینه حمل و نقل دریایی و زمینی واحداث خطوط راه‌آهن و توسعه ظرفیت تولید فولاد مبارکه اصفهان و ایجاد چند نیروگاه برق و سد پرودخانه‌های ایران قراردادهایی به امضا رسید. قرار است ظرفیت فولاد مبارکه اصفهان تا ۴ میلیون تن در سال افزایش یابد. در زمینه تولید برق کارشناسان شوروی به افزایش سطح برق تا بیش از ۸ هزار مگاوات اقدام خواهند نمود. همچنین تعداد ۶ سد بر روی رودخانه‌های ارس - اترک - هریرود و کارون ساخته خواهد شد. بر پایه قراردادهای فوق، امتداد خط‌آهن مشهد - سرخس تا تنج در داخل خاک شوروی و ادامه آن در داخل ایران از طریق حاشیه کویر تابندر به‌اس احداث خواهد شد.

مانور نظامی در غرب کشور

حکومت اسلامی برای نظامی نگه داشتن کشور و تقویت بنیه نظامی خود هنوز به سیاست و اقتصاد جنگی متکی است و این در شرایطی است که بیش از ده ماه از برقراری آتش‌بس در جبهه‌های جنگ ایران و عراق می‌گذرد. در همین ارتباط حسن جلالی وزیر دفاع و تدس محلاتی سرپرست سیاسی - عقیدتی ارتش جمهوری اسلامی اعلام داشتند ایران باید صنایع نظامی خود را تقویت کند. قدس محلاتی در زمینه تسلیح کشور اعلام کرد با توجه به آنکه دشمنان ایران به سلاح‌های پیشرفته‌ای مجهز می‌باشند، ارتش ایران نیز باید بهترین و مجهزترین جنگ‌افزارها را در اختیار داشته باشد.

روز سه‌شنبه ۳۰ خرداد رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در اس‌ده‌های از مقامات حکومتی جهت انجام یک دیدار رسمی وارد مسکو شد. خبر این سفر در ماه گذشته از سوی مقامات دو کشور اعلام شده بود. در همین ارتباط ماه گذشته تهران شاهد ورود هیئت سیاسی اقتصادی و فنی اتحاد شوروی به ایران بود. در تهران در همین ارتباط اعلام گردیده بود که اعضا این هیئت‌ها پیرامون گسترش مناسبات اقتصادی و فنی و بهبود مناسبات سیاسی دو کشور مذاکراتی با مقامات ایرانی انجام خواهند داد و توافق‌نامه‌هایی را در زمینه‌های فوق تهیه می‌نمایند تا در سفر رفسنجانی و دیگر مقامات ایرانی به شوروی به‌امضا برسد.

روز قبل از سفر رفسنجانی به شوروی ولایتی وزیر خارجه ایران برای دیدار و گفتگو با مقامات پاکستانی وارد اسلام‌آباد شد. در جریان این سفر ولایتی با رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه پاکستان مذاکره و گفتگو کرده است. اصلی‌ترین موضوع این مذاکرات مسئله افغانستان بوده است که حکومت اسلامی به تصد تنظیم مواضع دو کشور پاکستان و ایران و اعلام آن در مذاکرات مسکو آن را دنبال می‌کرده است. بعد از انجام مذاکرات پاکستان ولایتی روز سه‌شنبه وارد تهران گردید تا در دیدار رفسنجانی به مسکو وی را همراهی کند. در سفر رفسنجانی به شوروی علاوه بر ولایتی وزیر صنایع سنگین، فرمانده کل سپاه پاسداران، جمعی از نمایندگان مجلس و برخی از معاونین وزارتخانه‌های جمهوری اسلامی وی را همراهی می‌کردند. اولین ملاقات رفسنجانی و هیئت همراه با میخائیل گارباچف روز سه‌شنبه در کاخ کرملین صورت گرفت.

دور دوم ملاقات رفسنجانی روز چهارشنبه انجام یافت. در این ملاقات دو سند پروتکل همکاری اقتصادی فنی - تجاری - علمی و بیانیه‌های همکاری‌های سیاسی و حسن همجواری به‌امضا رسید و در مورد اینکه آیا قرارداد تسلیحاتی نیز به امضا رسیده است هنوز خبری منتشر نشده است. در این نشست طرفین ضمن ابراز تمایل بر توسعه بیشتر مناسبات و حسن تفاهم در مسائل بین‌المللی بر اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل برای برقراری صلح نهایی در جبهه‌های جنگ ایران و عراق تأکید نمودند.

شمخانی وزیر سپاه پاسداران حکومت اعلام داشت که برای بالا بردن توان رزمی نیروهای نظامی رژیم و ایجاد آمادگی و انسجام آنها در یکی از ارتقاءات غرب کشور یک سلسله مانورهای نظامی مشترک صورت می‌گیرد. بر پایه اظهارات شمخانی این سلسله تمرینات که سه ماه بطول خواهد انجامید بدستور رفسنجانی به عنوان "جانشین فرمانده کل قوا" انجام خواهد یافت. وی در توصیف روحیه نیروهای نظامی حکومت گفت: نیروهای نظامی از نظر شرایط کلکی بویژه از نظر شرایط روحی و روانی در وضعیت بهتری نسبت به ماه‌های گذشته قرار دارند.

بازگشت سفرای آلمان غربی و فرانسه به تهران

بر پایه اظهارات مقامات وزارت خارجه آلمان فدرال "آرمین فرای تاک" سفیر این کشور به محل ماموریت خود به تهران بازگشته است. همچنین "رولان دوما" وزیر امور خارجه فرانسه اعلام کرد که فرانسه سفیر خود را به تهران بازگردانیده است. هر دو کشور هلت این اقدام را با تغییر در اوضاع سیاسی ایران بعد از مرگ خمینی مرتبط دانستند.

لازم به یادآوری است که بعد از اعلام فتوای مرگ سلمان رشدی نویسنده کتاب "آیات شیطانیه" توسط خمینی، کشورهای عضو پیمان مشترک اروپا تصمیم گرفتند که سفرای خود را به عنوان اعتراض از تهران فراخوانند. چندی بعد این تصمیم به نوبه‌ای از طرف این کشورها لغو گردید و کشورهای عضو این پیمان مختار

ملاقات بشارتی و سفیر ترکیه

در تهران اعلام شد که بشارتی قائم مقام وزارت خارجه حکومت با سفیر ترکیه در تهران ملاقات و گفتگو کرده است.

لازم به یادآوری است که این ملاقات بدنبال درگیری مامورین حزب الهی با کارکنان سفارت ترکیه در روز ۱۹ خرداد ماه صورت می‌گیرد. در این روز عده‌ای حزب الهی به سفارت ترکیه حمله برده و ضمن شکستن شیشه‌های سفارت ترکیه، اتومبیل‌های اعضای سفارت را به آتش کشیدند. ظاهراً این حمله در پاسخ به درج مطالبی بوده که در یکی از روزنامه‌های ترکیه علیه جسد خمینی به چاپ رسیده است. بدنبال این حادثه دولت ترکیه نسبت به توقع آن به دولت ایران اعتراض نمود و این در حالی بود که دو هفته قبل از مرگ خمینی بشارتی قائم مقام وزارت خارجه در جهت بهبود مناسبات ایران و ترکیه و رفع اختلافات فیجانبین به آنکارا سفر کرده بود. در جریان این سفر بشارتی ضمن پذیرش هذر اخراج منوچهر متکی سفیر ایران در آنکارا به توافقی با مقامات دولت ترکیه در جهت بهبود مناسبات دو کشور دست یافت.

شناخته شدند که سفرای خود را مجدداً به تهران بازگردانند. از میان این کشورها انگلستان، آلمان فدرال و فرانسه اقدام به اعزام سفرای خود به ایران نموده بودند. با اعلام بازگشت سفرای دو کشور مزبور تنها انگلستان است که هنوز اقدام به اعزام سفیر خود به تهران نکرده است.

لازم به ذکر است رفسنجانی در مصاحبه مطبوعاتی روز پنجشنبه خود در مسکو اعلام کرد هیچ احتمالی برای لغو فرمان قتل سلمان رشدی وجود ندارد. او گفت در ایران کسی وجود ندارد که بتواند (و برای محکم کاری اضافه کرد و "بخوامد") این فرمان را لغو کند. او گفت این فرمان نه بر اساس عقیده شخصی که بر اساس شریعت اسلام صادر شده است.

تمرکز در قوه مجریه
به تصویب رسید

در هفته گذشته جلسات شورای بازنگری قانون اساسی تشکیل شد. در بیست و دومین جلسه این شورا که در روز دوشنبه ۲۹ خرداد ماه بریاست مشکینی برگزار شد، طرح کلیات مربوط به مجمع تشخیص مصلحت که توسط کمیسیون پنجم این شورا به جلسه عمومی ارائه شده بود مورد تصویب قرار گرفت. در جلسه بعدی این شورا که در روز پنجشنبه اول تیرماه برگزار گردید اعلام شد که اصول تمرکز در قوه قضاییه در شور دوم به تصویب رسیده است و کلمه رهبر در اصل ۱۶۲ قانون اساسی به عبارت رئیس قوه قضاییه تغییر داده شده است.

بیست و چهارمین جلسه این شورا بحث و بررسی بر روی تمرکز در مدیریت قوه مجریه ادامه یافت که در پایان این جلسه اعلام گردید که شورا بر حذف پست نخست‌وزیری رای داده است که بر مبنای این تصمیم موضوعات مربوط به آن از ماده ۵ قانون اساسی حذف میشود.



مردم در مناطق جنوبی تهران چنین هوایی را تنفس می‌کنند

پیرامون علل نارضایتی
و کم‌کاری کارمندان

آمار و ارقام زیر نتیجه پژوهشی است پیرامون علل نارضایتی و کم‌کاری کارمندان که گزارش آن به دست ما رسیده است. این پژوهش به دلیل گسترش کم‌کاری و نارضایتی در ادارات دولتی، توسط جمعی از کارمندان صورت گرفته است. لازم به توضیح است که پژوهشگران از برخورد ریشه‌ای و طرح صریح مسایل طفره رفته و یا فاصله گرفته‌اند ولی از آنجا که این پژوهش با اتکا به برخی آمارها و روش‌های آماری متداول صورت گرفته، لذا برای اطلاع خوانندگان آن راهبنا به چاپ می‌رسانیم:

از مجموع ۳۰ نفر مدیرانی که مورد پرسش قرار گرفته‌اند تنها یک نفر حقوق زیر ۵۵۰۰۰ ریال دریافت میکند. ۲۹ نفر بقیه حقوقشان بالای ۵۵۰۰۰ ریال می‌باشد. ۱۰۰ درصد این افراد از وضعیت استخدام رسمی برخوردار بوده و ۱۳/۳۳ درصد دارای مدرک دیپلم، ۶/۶۷ درصد فوق دیپلم، ۶۳/۳۴ درصد لیسانس، ۱۳/۳۳ درصد فوق لیسانس و ۳/۳۳ درصد دارای مدرک دکترا هستند. ۸۰ درصد افراد جامعه مورد مطالعه معتقدند که امنیت شغلی وجود ندارد و این در حالی است که کلیه آنها کارمندان رسمی و از مدیران مورد تأیید جمهوری اسلامی می‌باشند. ۷۶/۶۶ درصد بر این اعتقادند که مدیران با اصول و فنون کلی مدیریت آشنایی ندارند. ۷۳/۳۳ درصد بر این باورند که مدیران فاقد شرایط احراز و تخصص در پست مدیریت هستند. ۸۶/۶ درصد معتقدند که در نظام پرداخت‌ها نابرابری وجود دارد. ۸۶/۶ درصد افراد جامعه مزبور اذعان می‌دارند که کارمندان را در پایگاه و جایگاه واقعی خود قرار نداده‌اند. ۵۶/۶۷ درصد معتقدند که مدیران، کارمندان را در تصمیم‌گیری‌ها شرکت نمی‌دهند. ۹۳/۳۲ درصد بر این اعتقادند که در اداره‌های دولتی تبعیض وجود دارد. ۳۳/۳ درصد اظهار می‌دارند که هم‌زمانی ساعات اداری با ساعات تأمین مواد مصرفی در نارضایتی تا حدودی تأثیر دارد. ۹۰ درصد معتقدند که تورم و کاهش قدرت خرید عامل نارضایتی کارمندان دولت است. ۷۳/۴ درصد بر این نظرند که وجود پرسنل فرصت طلب و متظاهر بروز مشکلات خیلی زیادی را باعث می‌گردد. ۸۳/۳ درصد معتقدند که توجه به روابط به جای توجه به ضوابط باعث بروز مشکلات است. ۷۳/۴ درصد عدم احساس مسئولیت کارمندان را مطرح کردند. ۵۳/۳۳ درصد عدم آگاهی کارمندان از مقررات اداری را باعث بروز مشکلات ارزیابی کرده‌اند. بیش از ۷۰ درصد از جمعیت مزبور معتقدند که عدم تناسب مسئولیت با اختیارات، عامل بروز مشکلات است. ۵۰ درصد بر این اعتقادند که هملی نظیر گرانی، تورم، کمی حقوق، عدم توازن حقوق با هزینه‌های زندگی، نداشتن امکانات رفاهی مسکن، کمبود کالاهای اساسی و وجود بازار آزاد دولتی در بروز مشکلات اداری موثرند.



۸ تیر روز شهدای فدایی خلق گرامی باد!

بقیه از صفحه اول

فهرست اسامی رهبران شهید سازمان را به نشانه‌ای از سلاله بلند فدائیان شهید در زیر می‌آوریم و یاد همگی فدائیان شهید را که قلبشان جز برای آزادی و آبادی میهن و بهروزی مردم نتپید و بدست مزدوران شاه و خمینی از تپش باز ماند گرامی می‌داریم .

شریف و مردمی‌شان بشهادت می‌رسیدند و آخرین بار آن نیز نبوده است . سازمان ما چه در زمان شاه و چه در دوران جمهوری اسلامی بارها متحمل چنین ضربات سنگینی شده است .

اسامی رهبران شهید سازمان از آغاز تا امروز

درواه، بارفیق حمید اشرف

فرزندان مردم ما جاریست . دیری نیست که رژیم چندین هزار تن از زندانیان سیاسی - نیکان و رزم‌آورانی همچون تو را - به جوخه اعدام سپرده است . دیگر ...

آری رفیق حمید!، چنین است که تو می‌گویی: "می‌توان ده‌ها، صدها و هزاران تن را کشت اما یک خلق را نمی‌توان . و خلق اهجازگرانه و ایجاگرانه صدها، هزارها و ده‌ها هزار صدف گرامی دیگر را در بطن خویش خواهد پرورد و بیرون خواهد داد." باید که به آرمان‌های مردم وفادار ماند . با مردم زیست، از آنان آموخت و به آنان آموخت .

دشواری‌ها مان کم نیستند . به تحلیل لغزش‌ها و خطاها مان نشستیم و در کار تصحیح بنیانی مواضع ایدئولوژیک و سیاسی مان هستیم . هراس که نتوانیم ودیعه‌ات را نگهداریم، هراس که از نبرد با مانیم، هراس که ...

آری رفیق حمید!، چنین است که تو می‌گویی: "تحلیل لغزش‌ها و خطاهای گذشته و تصحیح مواضع اگر چه دشوار و دشواری است اما هراس‌انگیز نیست؛ بندهای گذشته را می‌گشاید و در بردارنده ثمر آینده است . پس با صداقت و جسارت با گذشته، هر آنجا که بندی بر پای رفتن بسوی آینده و تسخیر آینده است، هر آنجا که دیگر ارتجاهی است باید رزمید . در این هرصه نیز باید مبارزی را سخ و راستین بود . این هرصه پیکاریست با خوره‌ای از درون . هراس نه از نگاه به گذشته و درون، که از از الفت با گذشته و درون و استغراق در آن است .

رفیق حمید! روزی دیگر بر سالروزهای هستی‌مان بی‌آنکه تو و ده تن یاران تو را پیشاپیش و دوشادوش داشته باشیم افزوده شد .

آن روزها رژیم شاه می‌گرفت، شکنجه می‌کرد و می‌کشت . آنروز تو و دیگر رفقایمان راکشته بود و رجز فتح می‌داد . شهادت زخم کوچکی بر پیکر سازمان نبود . روزگارمان دشوار بود . اما ایستادگی در روزهای سخت راتو، یارانانت و دیگر قافله بزرگانی چون مسعود، امیر پرویز، بیژن، ... به ما آموخته بودید . پس از پا نیافتادیم . نیرو گرفته‌از شعورتان، سرشته از قهرتان، پیکار را پی گرفتیم .

از آن روز سیزده سال می‌گذرد . جنگیدیم، شهید شدیم، همراه خلق شاه را سرنگون کردیم، امتلا یافتیم ... و نیز لغزیدیم .

امروز نیز با رژیم روبروئیم که می‌گیرد، شکنجه می‌کند، می‌کشد و رجز فتح می‌خواند . پس رفیق حمید!، بگذار با توسخن بگوئیم . با ما سخن بگو! پیامت را به گوش جان می‌شنویم :
- رژیم تباه جمهوری اسلامی دورانی سیاه را بر تاریخ و خلق ما حاکم کرده است . می‌کوشد قدر قدرت و جاودانه بنماید . نکند ...

آری رفیق حمید!، چنین است که تو می‌گویی: "بایستادگی تا پای جان بر سر پیمان، باید که پرچم رزم سازمان را برافراشته‌تر سازیم، باید که "اتحاد خلق را آوا کنیم". روزهای خفقان و سرکوب را پایداری، ایثار و یکدلی باید." - زیر چتر سیاه جمهوری اسلامی سیل خون شریف‌ترین

- *علی اکبر صفایی فرامانی ۴۹ اسفند
- *جهادی قاضی ۴۹ اسفند
- *فقور حسن پوراصل ۴۹ اسفند
- *امیر پرویز پویان ۳ خرداد ۵۰
- *اسکندر صادقی نژاد ۳ خرداد ۵۰
- *بهروز دهقانی ۳ خرداد ۵۰
- *مسعود احمدزاده هروی ۱۱ اسفند ۵۰
- *عباس مختاحی ۱۱ اسفند ۵۰
- *علیر ضانبدل ۱۹ اسفند ۵۰
- *محمد صفاری آشتیانی ۲ مرداد ۵۱
- *احمد زبیرم ۲۸ مرداد ۵۱
- *حسن نوروزی ۱۹ دی ۵۲
- *شیرین فضیلت کلام ۶ اردیبهشت ۵۳
- *عباس جمشیدی رودباری ۲ مرداد ۵۳
- *بیژن جزینی ۳۰ فروردین ۵۴
- *حسن ضیاءظرفی ۳۰ فروردین ۵۴
- *سعید مشعوف کلانتری ۳۰ فروردین ۵۴
- *عباس سورکی ۳۰ فروردین ۵۴
- *علی اکبر (فریدون) جعفری ۱۲ اردیبهشت ۵۴
- *نزهت السادات روحی آهنگران ۶ تیر ۵۴
- *علی اصغر (بعمن) روحی دی ۵۴
- *آهنگران ۲۲ بهمن ۵۴
- *حمید مومنی ۲۲ بهمن ۵۴
- *بهروز ارمقانی ۲۸ اردیبهشت ۵۵
- *سنسرن آل آقا ۲ تیر ۵۵
- *حمید اشرف ۸ تیر ۵۵
- *محمد حسین حق نواز ۸ تیر ۵۵
- *محمد رضا یثربی ۸ تیر ۵۵
- *حسن جان فرجودی لنگرودی بهمن ۵۵
- *صابیون زاده ۱۹ اسفند ۵۵
- *قاسم سیادت ۲۲ بهمن ۵۷
- *قربانعلی موذنی پور تیر ۶۳
- *محمد رضا قربانی ۲۷ شهریور ۶۴
- *رضی الدین تابان مهر ۶۴
- *علیرضا اکبری بهمن ۶۶
- *انوشیروان لطفی خرداد ۶۷
- *صمد اسلامی پائیز ۶۷
- *محمد حسن دیانک شوری پائیز ۶۷
- *محمد منتظری بهمن ۶۷
- *رحیم اسداللی بهمن ۶۷

تجلیل از کورت باخمن

چهره برجسته جنبش ضد فاشیستی

از کورت باخمن، رهبر سابق حزب کمونیست آلمان و از رهبران جنبش ضد فاشیستی، به مناسبت هشتادمین سالگرد تولدش تجلیل به عمل آمد.

زندگی کورت باخمن سراسر رزم خستگی ناپذیر تحت انواع شرایط ترور، سرکوب و آزادی بورژوازی بوده است.

مرزند یک فعال سندیکیایی و مبارز ضد جنگ جهانی اول، سالهای کودکی و جوانی خود را در کلن و لوکزامبورگ در درگیری به سر می آورد. در سال ۱۹۲۹ عضو جنبش سندیکیایی انقلابی و در اول ماه مه ۱۹۳۲ عضو حزب کمونیست آلمان می شود. رفیق باخمن که به شهر کلن هلاکته عجیبی دارد، در این شهر تا سال ۱۹۳۹ در سالهای سرکوب فاشیستی به

پرایز کرچان، بلشها و بوخوالد می رزمند. در بوخوالد سازمان حزبی مخفی که در اردوگاه به همت او ایجاد شده بود، موفق می گردد باخمن را که به شدت بیمار شده و از او اسکتلی بیش نمانده بود، در همان اردوگاه مخفی سازد و با جمع آوری جیره غذایی که سایر همزمان برای او می فرستادند، جانش را نجات دهد.

پس از سرکوبی فاشیسم هیتلری، کورت باخمن به زادگاه خود کلن بازمی گردد. او در آن سالها گفت: «نابودی نازیسم و ریشه های آن شعار ما و بازسازی جهانی نوین، صلح و آزادی هدف ماست!» رفیق باخمن از همان روز آزادی با ایجاد اتحادیه



سازمان دهی جنبش ضد هیتلری، پخش اعلامیه، شعار نویسی و ایجاد هسته های مارکسیستی می پردازد. در سال ۱۹۳۹ به همراه همسرش به فرانسه مهاجرت می کند و در آنجا به همراه ضد فاشیست های فرانسوی به مبارزه ادامه می دهد. در همین سال دستگیر شده، به اردوگاه کار نازی ها فرستاده می شود. پدر و مادر و خواهرانش در همین دوران در اردوگاه ها به قتل می رسند. پس از مدتی موفق به فرار شده، مجدداً به جنبش مقاومت فرانسه می پیوندد. در سال ۱۹۴۲ به همراه همسرش آلیس مجدداً دستگیر می شود. این بار آنها را به اردوگاه مرگ آشویتس می فرستند. در آنجا آلیس همسر او در اتاق گاز به قتل می رسد. تا سال ۱۹۴۵ کورت باخمن هر روز با خطر مرگ در اردوگاه های آشویتس، یوهان دورف،

ضد فاشیست ها، و با فعالیت در صفوف حزب کمونیست آلمان تا مقام دبیر اولی و کار روزنامه نگاری، رزم خستگی ناپذیر خود را ادامه می دهد.

کورت باخمن همواره از پشتیبانان رزم کمونیست ها و دمکرات های ایرانی بوده است. او در سال ۱۹۸۸ هنگامی که فدائیان خلق در شهر کلن در اعتراض به اعدام رفیق انوشیروان لطفی و دو تن دیگر از زندانیان سیاسی از اتحادیه کمونیست ها و سازمان مجاهدین خلق دست به اعتصاب فذازده بودند، پس از ابراز همبستگی با آنان در تلگرامی به سفیر جمهوری اسلامی در بن نوشت: «ما نفرت خود را از این اقدام ضد بشری اعلام می کنیم. ما به عنوان سازمانی که از بازماندگان اردوگاه های حکومت بربر منتهانه هیتلر تشکیل

سیر رویدادها در چین در تضاد با آرمان های سوسیالیستی است

بقیه از صفحه آخر

اجتماعی است. برخی عمل کردهای جنبش کمونیستی از جمله در چین دوران ماو و در اتحاد شوروی دوران استالین، ضربه های سنگینی به چهره سوسیالیسم در هر سه جهانی وارد آورده است. اکنون باید آن چه را که در چین اتفاق می افتد، محکوم کرد و خواهان بازگشت رهبری دولت و حزب کمونیست چین به کاربرد روش های سیاسی و انسانی برای حل دشواری های جامعه چین شد.

سوء استفاده رسانه ها و حکومت های امپریالیستی از وقایع چین و تلاش های تبلیغی ضد سوسیالیستی آنان به هیچ وجه نباید مانعی در راه محکوم کردن قاطع اقدامات و روش های در پیش گرفته شده توسط نیروهای مخالف اصلاحات سیاسی در رهبری حزب کمونیست چین شود. مقابله موثر با همان تبلیغات ضد سوسیالیستی نیز دلیل دیگری بر ضرورت این امر است. خلق چین و نیروهای پیشرو و حزب کمونیست چین در درجه اول به یشتیبانی کمونیست های جهان نیاز مندند.

جزو اقلیت ضد انقلابی نیستند. دنیا شعارهایی که آنها حمل می کردند را دیده است: «مرگ بر رشوه خواران»، «زنده باد حزب کمونیست چین!»، «زنده باد رفرم»، راه بازگشت وجود ندارد!»

اجرای اعدام هادر هفته گذشته اعتراض محافل وسیعی را در جهان برانگیخت. هربرت میس دبیر کل حزب کمونیست آلمان با صدور بیانیه ای اعدام هادر چین را محکوم کرد و گفت: «حزب کمونیست آلمان در اساس مخالف مجازات اعدام است. احکام مرگ و اعدام راه حل درگیری های سیاسی و اجتماعی نیستند. این روش ها تنها این درگیری ها را تشدید می کنند. ما از مقامات حزبی و دولتی خواستار بازگشت به کاربرد روش های سیاسی برای حل دشواری ها هستیم.»

جنبش جهانی کمونیستی در روند بازنگری تجربه های خود از جمله به یک دستاورد بسیار مهم دست یافته است و آن تلاش برای انسانی ساختن روش ها برای حل مشکلات

کشتار مردم فلسطین توسط ارتش اسرائیل

بقیه از صفحه آخر

خورد کردن «مفزه های مسموم مار» شرکت نمایند.

«جوال نمان» رهبر حزب شبه فاشیستی تمیما گفت: «دیگر چه باید اتفاق بیافتد تا ثابت کند که علیه ما یک جنگ جریان دارد. ما باید وضع فوق العاده اعلام کنیم و بتدریج همه فلسطینیان را برانیم.»

در مقابل، رهبری قیام طی فراخوانی از مردم فلسطین دعوت کرد که در ازای هر فلسطینی یک سرباز یا فرد صهیونیست کشته شود.

از هنگام آغاز خیزش در سال ۱۹۸۷ تاکنون ۵۲۳ فلسطینی و ۲۳ اسرائیلی کشته شده اند.

به دنبال این وقایع دبیر کل حزب شبه فاشیستی ملیون مذهبی ربی اسحاق لوی دولت و مردم اسرائیل را به بیرون راندن جبری فلسطینیها فراخواند. این فراخوان بلاواسطه پس از کشته شدن فردریک استیون روزن فلد که از فعالین جریانات راست افراطی بود صادر شد. ربی گفت که مردم اسرائیل دیگر تحملشان بسر رسیده و نمی توانند بی نظمی در خیابانها را تحمل کنند. او مردم اسرائیل را فراخواند که انتقام بگیرند و در گروه های تجسسی برای کشف و نابودی «تورهای جانیان» و

قدردانی از رفیق باخمن با حضور سفیران کشورهای سوسیالیستی و هربرت میس دبیر اول حزب کمونیست آلمان برگزار شد. از سوی سفیر جمهوری دمکراتیک آلمان مدال کارل مارکس به نمایندگی از ارایش هونکر، رهبر این کشور به رفیق باخمن اعطاشد.

شده است، از دولت شما می خواهیم که به جنایت و شکنجه در زندان ها خاتمه دهد... حقوق بشر که پس از پیروزی بر هیتلر در جهان بر رسمیت شناخته شده اند، باید در کشور شما نیز اعتبار یابند.»

روز پنجشنبه ۲۲ ژوئن، مراسم

بمناسبت سالگرد هجوم فاشیسم هیتلری به اتحاد شوروی

۲۲ ژوئن مصادف است با هجوم ارتش آلمان نازی به خاک اتحاد شوروی. در صبح روز ۲۲ ژوئن سال ۱۹۴۱ ارتش آلمان نازی به اتحاد شوروی هجوم برد. به این مناسبت مقاله‌ای از مورخ شوروی پروفیسور لئونید مینایف برگزیده‌ایم و خلاصه‌ای از آن را در این شماره درج می‌کنیم.

سپتامبر خطاب به حزب کمونیست فرانسه ارسال شد از آلمان فاشیستی صحبت شده بود. اما بعداً هبارت فاشیسم در ارتباط با آلمان هیتلری برای دورانی طولانی از اسناد رسمی کمینترن حذف شد. این امر نتیجه فشار استالین بر مواضع ارگان‌های رهبری کمینترن بود که تصورات نادرست خود از تاکتیک سیاسی راه هیتلر اجرائیه و دبیرخانه بین الملل سوم تحمیل کرد.

استالین در تدوین موضع کمینترن پیرامون این مسئله دخالت نمود و مثل سایر موارد یکجانبه‌نگری، قالب‌گرایی و نیت مصلحت‌جویانه در سیاست خارجی را در این کار دخیل کرد.

دخالت او سپس مضمون دستورالعمل‌های دبیرخانه کمینترن را مبنی بر اینکه جنگ در شرف آغاز، یک جنگ امپریالیستی و ناعادلانه است که در آن بورژوازی همه کشورهای در حال جنگ به یکسان متصرفند، تعیین کرد. در این دستورالعمل‌ها گفته می‌شود: "این جنگ نباید در هیچ کشوری بوسیله طبقه کارگر و کمونیست‌ها حمایت شود. این جنگ برخلاف ادعای چمبرلن و رهبران سوسیال دموکراسی جنگ بورژوازی علیه فاشیسم نیست بلکه میان دو گروه از کشورهای سرمایه‌داری برای تسلط بر جهان جریان دارد. پرولتاریای بین‌المللی تحت هیچ عنوانی نباید به حمایت از لهستان فاشیست که حمایت اتحاد شوروی را رد کرده و سایر خلقها را استثمار می‌کند، برخیزد.

احزاب کمونیست در همه کشورهای درگیر در جنگ باید علیه جنگ برخیزند، ماهیت امپریالیستی آن را افشا کنند، با اعتبارات جنگی مخالفت کنند و مصممانه به سیاست خائنانه سوسیال دموکراسی حمله

به جدایی محافل تجاوزگر مساعدت می‌کند و تقویت مبارزه علیه فاشیسم آلمان را ضروری می‌سازد.

برخلاف همه تهمت‌ها و افتراات، رهبری کمینترن و احزاب کمونیستی امضای این معاهده راه معنای صرف نظر کردن از مبارزه با فاشیسم تلقی نمی‌کردند و به فکر این نبودند که به این مبارزه پایان بخشند. آنها این معاهده را به عنوان عاملی ارزیابی می‌کردند که صلح را تحکیم می‌کند و نه فقط به حمایت از اتحاد شوروی بلکه به حمایت از خلقهای کوچک کشورهای اروپایی نیز که مورد تهدید هجوم فاشیستی بودند خدمت می‌کند. کمونیست‌ها ضمن آنکه امتناع انگلستان و فرانسه از امضای توافقنامه با شوروی را محکوم کردند با این حال ذکر آن سمیت و سوی معاهده مزبور بر ضد لهستان نکردند.

دبیرخانه کمینترن برای تدوین سندی درباره فاشیسم در تاریخ دوم سپتامبر ۱۹۳۹ کمیونیونی را که دیمیریوف، کوزینین و مانویلسکی عضو آن بودند مامور کرد به بررسی سمت‌گیری‌های احزاب کمونیست در این خصوص بپردازد. در دست‌نوشته‌ای از مانویلسکی که بخشی از پیش‌نویس این طرح می‌باشد چنین گفته می‌شود: "باید تاکید شود که پیروزی فاشیسم آلمان در این جنگ بزرگترین خطر را برای جنبش کارگری بین‌المللی به ارمغان می‌آورد. بنا بر این وظیفه کمونیست‌های همه کشورها و در درجه اول کمونیست‌های آلمانی است که برای سقوط فاشیسم آلمان تلاش کنند."

در هر حال نه فقط در رابطه با تصویب این قرارداد بلکه در دستورالعمل‌هایی که در اول

در تابستان سال ۱۹۳۹ جهان در آستانه یک فاجعه قرار گرفت. در این سال برخلاف تابستان ۱۹۱۴ هیچکس نمیتوانست ادعا کند که جنگ پنهان از انظار در حال نضج بود. از چند سال قبل کاملاً روشن بود که آلمان هیتلری با تلاش خود برای تجدیدنظر در روابط بین‌المللی و قرارداد صلح (ورسای)، با ادعای "نضای حیاتی" و بالاخره تسلط جهانی، خطر جنگ را قیر قابل اجتناب کرده بود.

بریتانیای کبیر و فرانسه روابط خود با شوروی را در مبارزه مشترک علیه روحیه تعاجمی فاشیستی به بن بست سوق دادند. قبل از این تاریخ بخاطر اقدامات این دو دولت پیشنهادهای متعدد اتحاد شوروی برای ایجاد یک امنیت جمعی در اروپا رد شد. از آن جمله است پیشنهاد تصویب "معاهده شرق"، در این هنگام مذاکرات پیرامون تصویب قرارداد سه‌جانبه انگلستان، فرانسه و اتحاد شوروی به ناکامی سوق داده شد.

در همین حال بریتانیای کبیر و آلمان در پاییز سال ۱۹۳۸ قرارداد مونیخ را مبنی بر عدم تخاصم به امضای رساندند. فرانسه نیز در دسامبر ۱۹۳۸ قرارداد مشابهی با آلمان امضا کرد. در آن زمان فقط کمونیست‌ها به این قرارداد اعتراض کردند.

در مجموع با اطمینان می‌توان گفت که اتحاد شوروی در موقعیتی قرار داده شد که خود را ناچار به انعقاد معاهده عدم تخاصم با آلمان ببیند. مصالح‌تأمین امنیت و رفتار دولتهای وقت انگلستان و فرانسه امضای این معاهده را ضرورت بخشید.

رهبران اتحاد شوروی که به ناچار مبادرت به گرفتن این تصمیم کردند و تنها چاره‌ای را که برایشان باقی مانده بود انجام دادند، در همین حال برخی قدم‌های نادرست و ناسنجیده برداشتند که به گسترش هجوم تبلیغاتی ضد شوروی در قریب مساعدت کرد و به جنبش کمونیستی و کارگری زیان رساند.

هیات اجرایی کمینترن در آستانه انعقاد این معاهده در تجزیه و تحلیل هواقب احتمالی این قدم نتیجه‌گیری کرد که انعقاد احتمالی این معاهده امکانات امضای یک توافقنامه میان اتحاد شوروی با بریتانیای کبیر و فرانسه را از بین می‌برد بلکه

نمایند." به احزاب کمونیست فرانسه، بریتانیای کبیر، آمریکا و بلژیک که با این رهنمودها مقابله کردند دستور داده شد بدون معطلی خط‌سیاسی خود را تصحیح کنند.

چنین تجزیه و تحلیلی از خلعت جنگ به یک رشته از ویژگیهای مهم بی‌توجه بود. با وجودی که هر دو گروه از کشورهای کبیر که در جنگ شرکت داشتند واقعا گروه‌های امپریالیستی بودند، گروهی که آلمان در راس آن قرار داشت هدف خود را استقرار یک نظم "نویین" فاشیستی در جهان و نابودی فیزیکی تمام و کمال خلق‌ها و ملل قرار داده بود. اما از این واقعیت به‌طور آشکار وجود یک گرایش عادلانه به مثابه جنبش رهایی‌بخش نتیجه می‌شود که با مبارزه خلق‌ها علیه تعاجم فاشیستی در پیوند بود.

اوضاع بسیار بفرنج شده بود. راه حل سیاسی که رهبری شوروی در اگوست ۱۹۳۹ اتخاذ کرد برای اتحاد شوروی به معنای کسب فرصت برای تدارک دفاع محسوب می‌شد و نیت تجاوزکارترین محافل امپریالیستی را ناکام کرد اما با این وجود بوسیله همه دوستان شوروی و ضد فاشیست‌ها کاملاً درک نشد. این تصمیم هواقب منفی برای موقعیت اخلاقی و مواضع سیاسی کمونیست‌های سایر کشورها به همراه داشت. این اجتناب‌ناپذیر بود اما می‌بایست با احتیاط بیشتری عمل می‌شد.

با انعقاد معاهده شوروی و آلمان یک کارزار ضد کمونیستی حقیقی در اروپای قریب آغاز شد. همه مدافعان توافقنامه مونیخ - از فاشیست‌های نقابدار گرفته تا سوسیالیست‌های دست راستی - با صدای بلند "خیانت استالین و مولوتوف" و "خیانت کمونیست‌ها به دموکراسی" را ندا دادند.

در چنین فضایی بخشی از اعضای حزب دچار سرگیجه شدند. در این میان حزب کمونیست فرانسه در کلیت خود شایستگی و مداومت خود را حفظ کرد و از خودشعامت نشان داد. این حزب با زبان حقیقت به پیشواز کسانی که دچار گمراهی و سرگیجه شده بودند شتافت و برای مردمی که از نگرانی و تردید در هذاب بودند شرایط بفرنج جهان و خود فرانسه را توضیح داد.

بزودی در ماه اکتبر همان سال

افسانه "خیانت" حتی به وسیله سیاستمدارانی نظیر چرچیل و هالیفاکس و رهبران دست راستی حزب کارگر انگلستان نظیر آتله و موریسون که بالاجبار حقانیت "تدمی که روسها پیمودند" را برسمیت شناختند، آنا بر ملا شد. در سال ۱۹۴۵ پاول ری ناووک که در سال ۱۹۴۰ نخست وزیر فرانسه بود مسئولیت انگلستان و فرانسه در بهم خوردن مذاکرات سال ۱۹۳۹ این دو کشور با اتحاد شوروی را تایید کرد. در همان سال وزیر خارجه انگلستان آنتونی ادن به هنگامی که مصوبه کنفرانس یالتا را به پارلمان ارائه می داد گفت "اکنون چه کسی می تواند تردید کند که اگر اتفاق نظری که میان روسیه، بریتانیای کبیر و آمریکا در یالتا بوجود آمد در همان سال ۱۹۳۹ وجود می داشت، این جنگ هرگز به راه نمی افتاد".

این گفته در همین حال به سوال اینکه آیا در شرایطی که به معاهده با آلمان هیتلری منجر شد آلترا تویو دیگری نیز ممکن بود پاسخ می گوید. این آلترا تویو در دست قدرتهای غربی یافت می شد.

معاهده سال ۱۹۳۹ توسط برخی از شخصیت های جنبش سوسیالیستی و کارگری که به احزاب کمونیستی وابستگی نداشتند اما به اجتناب ناپذیر بودن پیدایش جبهه ضد هیتلری امیدوار بودند به مثابه "شوک و وحشتناک" و "در هم شکستن امیدها" و "هقب نشینی مسکو" از ضمیمه با فاشیسم درک شد. پیترونی، سوسیالیست چپ، طی فراخوانی خطاب به حزب کمونیست ایتالیا گفت معاهده "ضربه سنگینی بر سیاست وحدت عمل" است و از حزب خواست "دستور العمل های مسکورا نپذیرد" زیرا آنها تئیس سیاست ضد فاشیستی اند. سرگیجه ای که بخشی از کمونیست های اروپایی را در بر گرفته بود در میان سوسیالیست های چپ با زهم بزرگ تر بود. برخی بر این نظر بودند که شوروی دیگر بر جنبش کارگری تکیه نخواهد کرد بلکه با بستن معاهده با آلمان هیتلری دره همیتی میان خود و جنبش کارگری اروپا حفر کرده و صفوف ضد نازیسم را ترک نموده است. دولت شوروی متهم به تلاش برای بازگشت به قدر قدرتی دوران تزاریسیم شد. خیلی خیلی از سوسیالیست های چپ تصور می کردند که جنبش کارگری می باید در شرایط فعلی مستقل از

منافع قدرت های بزرگ یک نظم نوین سوسیالیستی و دمکراتیک را در اروپا تدارک ببیند که پایه های تخصصات جدید امپریالیستی و جنگ میان قدرت های بزرگ را از بین خواهد برد.

اینجا مسئله بر سر چیست؟ طبقه کارگر منفرد "نشان داد در موقعیتی نیست که حرکت فاشیست ها و قدرت های جنگی را بازدارد، او قادر نشد جلو انعقاد قرارداد مونیخ را بگیرد (بخش مهمی از جنبش کارگری رفرمیستی از این قرارداد حمایت کرد)

سوسیالیست های چپ که موضع خود را تغییر داده بودند توجه نمی کردند که تصادم اتحاد شوروی با فاشیسم غیر قابل اجتناب است.

تروتسکیسم نیز سهم خود را در گمراهی صفوف ضد فاشیست ها ایفا کرد. هواداران آن از موضعی حرکت می کردند که تروتسکی چنین تنظیم کرده بود: "فاشیسم یک جنگ جدید را تسریع می کند، اما یک جنگ جدید به نوبه خود به تسریع شتابان جنبش انقلابی منجر می شود. در صورت بروز یک جنگ هر دسته انقلابی هنوز کوچک می تواند در زمان کوتاهی به یک عامل تعیین کننده تاریخ تبدیل شود و تبدیل نیز خواهد شد." در این بین تروتسکی که نقش کمینترن را در جنبش ضد فاشیستی و ضد جنگ نفی می کرد امیدوار بود در جنگی که در شرف وقوع است، انترناسیونال ۴ همان نقشی را ایفا کند که بلشویک ها در سال ۱۹۱۷ ایفا کردند با این تفاوت که در این جنگ زوال سرمایه داری قطعی خواهد بود.

به علاوه تروتسکی معتقد بود میان اردوهای جنگی متخاصم تفاوتی موجود نیست. سپس در برنامه انترناسیونال چهارم تاکید شد "تفاوت میان دمکراسی های در حال اضمحلال و فاشیسم مرگ آور در مقایسه با زوال مجموعه نظام سرمایه داری، محو می شود... فاجعه پیروزی امپریالیسم بریتانیای کبیر و فرانسه برای سر نوشت قطعی بشریت کمتر از پیروزی هیتلر و موسولینی نیست."

این مخلوط فریب از دگماتیسم و آوانتوریسم مطلقا هیچ چیز مشترکی با سیاست ضد فاشیستی نداشت. تصمیمی که دولت شوروی در ماه اوت ۱۹۳۹ گرفت از

مشکل ترین تصمیمات تمام طول تاریخ بود. چه نوع جنگی در شرف انجام بود؟ یک جنگ امپریالیستی؟ یک جنگ "ایدئولوژیک"؟

آیا همانطور که تروتسکی تصور می کرد جنگی از نوع سال های ۱۹۱۸ - ۱۹۱۴ خواهد بود و آیا بلاواسطه به جنگی طبقاتی گذار خواهد کرد؟ آیا این جنگ می تواند بسان عقیده برخی سوسیالیست های چپ به وسیله سوسیالیسم بعلاوه جنبش کارگری پیش برده شود؟ خیر، این جنگی خواهد بود که تا بحال هرگز وجود نداشته و بر انواع شناخته شده جنگ قابل انطباق نیست و بنابراین بر خورد دیگری می طلبد.

رفتار استالین پس از تصویب معاهده و تصمیماتی که تحت فشار او گرفته شد بدون تردید فکر انصراف از سیاست جبهه واحد ضد فاشیستی و جبهه خلق و هدول از خط کنگره ۱۲ را در مخیله ایجاد می کرد. اما برای آنکه بتوان مقصرین را در این اوضاع تعیین کرد باید از سمت گیری بر اساس نکات فوق استنکاف ورزید و افاق تفکر تاریخی را گسترش داد. جنگ ها در روابط بین المللی آغاز به یافتن آنچنان ابعادی کرده بود که زیان هائیکه قابل اجتناب شدند. واقعیت این بود که کمونیست های همه کشورها چنین تصمیمی را انتظار نداشتند، بسیاری آن را به عنوان توهینی بزرگ درک کردند، دچار شرمندگی شدند و برخی به جنبش پشت کردند.

اما به تدریج مهم ترین نکته روشن شد: هر چقدر هم شرایط پدید آمده، مشکل و یفرنج بوده است، یک نکته مثبت نیز در خود داشت. نیروهای امپریالیسم منشعب بودند، دیگر یک جبهه جهانی ضد شوروی قادر به پیدایش نبود و اتحاد شوروی به مثابه مهم ترین نیروی مادی در نبرد پیشاروی با فاشیسم، برای تقویت قدرت دفاعی خود فرصت بدست آورد.

نویسندگانی که در جستجوی خطاهای دولت شوروی هستند محتلا محققند. اتحاد شوروی مجبور بود معاهده را امضا کند اما خیلی بدتر از آن این بود که سپس بروفق روح آن نیز عمل کرد، مطبوعات شوروی جمله به فاشیسم هیتلری را متوقف کردند و حتی برهکس هر چه بیشتر قدرت های دمکراتیک

سرمایه داری را مورد حمله قرار دادند. استالین در این بازی بزرگ و تاحدودی غیر قابل پیش بینی، چنین باخت هایی را نیز به جان خرید. این مطلقا نمی توانست کمکی به آمادگی اتحاد شوروی برای تصادم با نازیها که اجتناب ناپذیر بود بکند.

این که آیا اتحاد شوروی زمان بدست آمده ناشی از انعقاد معاهده را بطور موثری برای تقویت خود بکار برده باشد مسئله دیگریست.

ما اکنون تصمیمات فلتل در پیشبرد تاکتیکی و ایدئولوژیک مصوبه منعقد را بطور آشکارتری می بینیم. قرارداد بعدی با آلمان در تاریخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۳۹ در بسیاری جهات هدول از اصول لنینی سیاست خارجی بود. قرارداد مزبور سیاست خارجی اتحاد شوروی را بیش از اندازه با سیاست آلمان پیوند داد.

واضح است که استالین سیاست خارجی شوروی را به یکسو نگری محکوم گردانید و امکان مانور دیپلماتیک را از آن ربود، ضمن اینکه با تاکید نهایی هر کاری برای بستن تحکیم روابط با آلمان انجام داد. در این بین چشمان خود را در برابر نقض متعدد قرارداد توسط آلمان و سپس در برابر تدارک آشکار آن برای حمله به اتحاد شوروی بست.

در سخنان مولوتوف و سایرین استدلالات پایه دار برای وحدت با آلمان نادر بود، اما در مقابل با بدویبراه و حملات خشن و بدون ملاحظه علیه سایر کشورها و ادعاهای نابخردانه گوش فلک را کر کرده بودند.

پس از حمله آلمان به یونان و یوگسلاوی میثت اجرایی کمینترن این شعار را داد که مبارزه این کشورها علیه تهاجم امپریالیستی یک جنگ عادلانه است. اما هنوز برای مجموعه نیروهایی که علیه هیتلر می جنگیدند و متحدین آنها، این تصمیم حاصل نشده بود.

تنها پس از آغاز جنگ بزرگ میهنی در اتحاد شوروی، به هنگامی که کمینترن همه نیروی خود را برای بسیج کمونیست ها و همه ضد فاشیست ها در مبارزه برای درهم شکستن فاشیسم و آزادی و استقلال خلق ها بکار برد، بر تغییر خصلت جنگ تاکید شد.

در آن سالها سیاست وحدت ضد فاشیستی که در دوازدهمین کنگره کمینترن تدوین شده بود به سیاست وسیع ترین اقشار توده ها تبدیل شد.

بحث و گفتگو در مورد

مسائل ایدئولوژیک مناسبات بین خلق‌ها

"پراودا" ۹ ماهه

اجلاس کمیسیون ایدئولوژیک کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

در اتحاد شوروی مسئله ملی اینک به مسئله‌ای حاد تبدیل شده است. پلنوم آتی کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش. بررسی مناسبات میان ملی را در دستور کار خود قرار داده است. در این رابطه در اوایل ماه مه کمیسیون ایدئولوژیک کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش. به ریاست وادیم مدودیف مسائل ایدئولوژیک رشد و تکامل مناسبات میان ملی را مورد بحث و گفتگو قرار داد. گزارشی از این بحث‌ها را در زیر می‌خوانید:

* * *

روز پنجم ماه مه سال جاری، کمیسیون ایدئولوژیک کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به ریاست وادیم مدودیف تشکیل جلسه داد. در این اجلاس مسائل ایدئولوژیک رشد و تکامل مناسبات میان ملی در مرحله کنونی مورد بحث و گفتگو قرار گرفت.

در جریان تبادل نظر مبسوط و هلاقمندان‌های که با حدت و صراحت خاصی به لحاظ طرح مسائل صورت گرفت، خاطر نشان گردید که در هر صه مناسبات میان ملت‌ها کلافی از مسائل اجتماعی- اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک انباشته شده است. حل و فصل این مسائل در گرو کاری سترگ، هدفمند و چندین جانبه است. کلید حل مسایلی که در این هر صه انباشته شده است عبارت است از تبیین ژرف تئوریک این رشته مسائل. باید به طور جدی به تهیه و تدوین مفهوم امروزی مناسبات میان ملی پرداخت. یکی از ارکان این کار سترگ همانا احیای سن مارکسیستی لنینیستی تئوری مناسبات میان ملی، رفع ناهنجاری‌های گذشته و زدودن پیرایه‌های هامپانه، مکانیستی و مصنوعی از این تئوری است. باید تکامل برداشت لنینی از مساله ملی را به شیوه‌ای جدید پی گرفت، متدولوژی لنینی حل این مساله را به طور کامل راهنما قرار داد و دگرگونی‌های همیق شرایط زریست ملل و اقوام را به حساب آورد.

در هر صه مناسبات میان ملی، دو گرایش همده نیاز به تحلیل همیق علمی دارند: گرایش به انترناسیونالیسم و نزدیکی، گرایش به رشد خود آگاهی ملی و نیاز رشد و تکامل ملی. دیالکتیک این دو چگونه است؟ این دو گرایش چگونه در سیستم سیاسی، بنای اقتصادی و در سیاست فرهنگی انعکاس می‌یابند؟ اینجاست که به

کوشش‌های جدی تئوریک و تحلیل ژرف نیاز است. و در این رابطه است که پلنوم آتی کمیته مرکزی حزب که به مناسبات میان ملی خواهد پرداخت اهمیت فراوانی خواهد داشت. بدیهی است که پلنوم، تمامی مسائل مشخص راحل نخواهد کرد. اما بدون تردید استراتژی نوین سیاست ملی را تدوین خواهند نمود.

تفسیرات رادیکالی که در کشور جاری است و دموکراتیزاسیون حیات اجتماعی، موجب برآمد بی‌سابقه تحرک اجتماعی مردم شده و جامعه را سیاسی کرده است. این روند به طور تنگاتنگ با رشد خود آگاهی ملی همراه است. بازسازی مناسبات میان ملی، شرایط لازم را برای آن که هر فرد از هر ملیتی که باشد و از جمله کسانی که در خارج از تشکل‌های دولتی و ارضی خود زندگی می‌کنند و یا اساساً فاقد چنین تشکل‌هایی هستند، امکان آن را بیابند تا ثروت‌های ملی خود و نیز خواست‌های ملی- فرهنگی و معنوی خود را در هر صه تحصیلات، آموزش به زبان مادری، هنر خلقی، مرآوده و همچنین برای ایجاد کانون‌های فرهنگ ملی خود و بهره‌گیری از وسایل و رسانه‌های خبری عمومی و ارضای نیازهای مذهبی، متحقق سازند.

به منظور تحقق هر چه بیشتر این همه است که وظیفه ایجاد دولت حقوقی با قامت تمام رخ می‌نماید. تنها در شرایط استقرار چنین دولتی است که رشد و تکامل آزادانه شخصیت، ملت و قوم میسر شده و رشد و تکامل تشکل‌های دولتی- حقوقی آنان امکان پذیر می‌گردد. در حال حاضر کار تهیه و تنظیم یک رشته لوایح قانونی در رابطه با تنظیم حقوقی مناسبات میان ملت‌ها و تحکیم تمامیت ملی جمهوری‌های متحده جریان دارد. مشی که در حال حاضر به پیش برده می‌شود عبارت است از تفکیک صریح اختیارات اتحاد جماهیر شوروی از اختیارات جمهوری‌های متحده، هدم تمرکز

و انتقال یک رشته حامل از وظایف اداری به مناطق، تقویت استقلال و مسئولیت جمهوری‌ها در هر صه‌های اقتصاد، رشد و تکامل اجتماعی و فرهنگی، و حفاظت از محیط‌زیست. در این رابطه وظیفه مهم کار ایدئولوژیک عبارت است از: پرورش درک صحیح فدرالیسم شوروی در آگاهی اجتماعی، و مستدل کردن امکانات بالقوه فدرالیسم شوروی که بنا به یک رشته علل عینی و ذهنی به طور کامل متحقق نگشته‌اند.

مسائل مربوط به زبان دولتی، تابعیت، و جمعیت شناسی نیز از موضوعاتی بود که گفتگوی همه جانبه‌ای را در اجلاس کمیسیون به دنبال داشت. در ارتباط با چشم‌اندازها و راه‌های رشد و تکامل خلق‌هایی که فاقد حاکمیت دولتی هستند، مسائل گوناگونی طرح گردید. موضوعاتی نیز به میان کشیده شد که به مسائل خلق‌های کوچک و از جمله خلق‌های منطقه شمال مربوط می‌شد. حراست از فرهنگ اصیل و زبان این خلق‌ها و محیط‌زیست آنان.

کمیسیون به وظایف چندین جانبه‌ای که در برابر کمیته‌های حزبی و سازمان‌ها و موسسات ایدئولوژیک قرار گرفته است، توجه خاصی مبذول داشت و خاطر نشان گردید که کار ایدئولوژیک باید از سیر رویدادها پیشی گیرد و به طور سازنده و مستدل به پیش برده شود. امروز موضوع آمادگی سازمانی و تئوریک کادرهای حزبی و ایدئولوژیک مناطق برای حل و فصل مسایلی که پدید می‌آیند به مساله‌ای مبرم تبدیل شده است. ظرائت مناسبات میان ملی و حساسیت ویژه این مناسبات انتظارات عالی‌تری را در برابر فعالیت رسانه‌های جمعی قرار می‌دهد. این رسانه‌ها باید در کار خود به ناکت‌های مسلم اتکا نمایند و موشکافی، برخورد همیق، کاردانی، و برخورد سازنده، پیشه خود سازند.

در اجلاس کمیسیون، این اعتقاد مشترک طنین انداز شد که

تنها نوسازی راهگشاست، که نوسازی شرایط لازم برای حل مسایل بفرنج میان ملی را فراهم خواهد آورد، که سرنوشت نوسازی جامعه شوروی و هماهنگ‌سازی مناسبات میان ملت‌ها به طور تنگاتنگ هم پیوند و متقابلاً به هم مشروط هستند.

در ادامه، اعضای کمیسیون ایدئولوژیک کمیته مرکزی حزب ملاحظات و پیشنهادات خود را در رابطه با پیش‌نویس قانون اتحاد شوروی در باره آزادی وجدان و سازمان‌های مذهبی، در میان گذاشتند.

روی این لایحه قانونی کار دموکراتیک وسیعی صورت می‌گیرد. شورای امور مذاهب جنب شورای وزیران اتحاد شوروی، ادارات و وزارت خانه‌های کلکتیوهای علمی، کارشناسان و شخصیت‌های سرشناس و نمایندگان جمعیت‌های مذهبی در این امر مشارکت دارند.

در پیش‌نویس قانون مزبور ماده قانونی برابری شهروندان مستقل از برخوردشان نسبت به مذهب، در تمامی هر صه‌های فعالیت جامعه مورد تاکید قرار گرفته و موقعیت حقوقی سازمان‌های مذهبی به شیوه‌ای جدید تعریف شده است، به مساله تضمینات حقوقی و مادی، آزادی وجدان پاسخ داده شده و اصل هدم مداخله متقابل دولت و سازمان‌های مذهبی در امور داخلی یکدیگر پیگیرانه راهنما قرار گرفته است. محتوای این لایحه قانونی با اسناد حقوقی بین‌المللی تطبیق داده شده است.

در همین حال این لایحه نیازمند کار تکمیلی بیشتر است و پس از انجام این کار در مطبوعات به چاپ رسیده و به بحث و گفتگوی وسیع گذاشته خواهد شد و در پی آن است که در دستور بررسی شورای عالی اتحاد شوروی قرار خواهد گرفت.

ناآرامی در گاز اخیستان

شهر نووی اوزن در جمهوری گاز اخیستان در اوایل هفته گذشته شاهد ناآرامی‌هایی بوده است که بنا به گزارش‌های رسمی حداقل ۳ نفر در آن کشته شده‌اند. بوریس میخاییلوف یکی از سخنگویان وزارت داخله گفت ۵۷ نفر بخاطر طراحی و سازماندهی این ناآرامی‌ها دستگیر شده‌اند. وی در توصیف جریان وقایع افزود که در روز دوشنبه حدود ۷۰۰۰ نفر که عمدتاً جوان بودند در مرکز شهر اجتماع کرده و خواهان برچیدن شرکت‌های سهامی خصوصی و اخراج قفقازی‌های مقیم شهر نووی اوزن شدند. سپس گروه‌های متعددی از این جوانان با سنگ و میله‌های آهنی در شهر به راه افتادند و به زد و خورد با مقام‌داران و فرورسندگان قفقازی مقیم این شهر پرداختند. بیش از ۷۰۰ نفر از قفقازی‌ها که عمدتاً زن و کودک بودند از شهر نووی اوزن به محلی در ۱۴ کیلومتری این شهر که تحت محافظت واحدهای نظامیست انتقال داده شده‌اند.

روزنامه کمسومولسکایا پرودا هلت منازعات اخیر را در دشواری‌های اقتصادی و اجتماعی می‌بیند. بنا به نوشته این روزنامه تظاهرکنندگان خواهان بهبود توزیع مایحتاج عمومی و تعطیلی شرکت‌های سهامی خصوصی گشتند که در چهار چوب رفم‌های اقتصادی تشکیل شده‌اند که اکنون برای بهبود مایحتاج و افزایش قیمت‌ها مقصر شناخته می‌شوند.

در ناآرامی‌های ماه مه در ترکمنستان نیز لگو شرکت‌های سهامی خصوصی مطالبه شده بود. در آشوب‌های اخیر نیز به مانند وقایع ازبکستان همه هلاک نشانه آن بود که این وقایع نه به طور خودبه‌خودی بلکه به طور برنامه ریزی شده و سازمان داده شده به پیش برده شده است.

به گفته نیکلای ریشکوف نخست وزیر شوروی تعدادی از اعضای دولت شوروی خود را در موقعیتی نمی‌بینند در شرایط اقتصادی نوین که به سوی بازار گرایش یافته به کار ادامه دهند و خواهان برکناری خود شده‌اند.

از هنگام آغاز اصلاحات اقتصادی همانطور که طرفداران نوسازی خود پیش‌بینی کرده بودند تا مین مایحتاج عمومی دشوارتر شده و تورم افزایش یافته است. این امر تا حدودی بی‌صبری را در مردم ایجاد کرده است. از سوی دیگر مخالفان نوسازی که از همان بدو امر با اصلاحات مخالف بوده‌اند در تلاشند تا با اتکا به این ناراضی‌تبی و استفاده از هرگونه روزنه‌ای تضادهای اجتماعی را تشدید نموده و به ناآرامی‌ها دامن زنند.

آفریقای جنوبی :

معلمان خواستار تحریم انتخابات

بزرگترین اتحادیه معلمان آفریقای جنوبی مردم را به تحریم انتخابات ماه سپتامبر فرا خوانده است. این اتحادیه که ۲۲ هزار نفر عضو دارد در اجلاس سالانه خود اعلام کرد "برای رهایی انسان‌ها از سرکوب و نژادپرستی انتخابات را تحریم کنید."

مستحکم کردن مرز میان رومانی و مجارستان

سخنرانی‌ها در این مراسم را "فاشیستی" نامید.

لازم به توضیح است که از سوی "اتحادیه جنبش مقاومت ضدفاشیستی مجارستان" نیز به برخی از سخنرانی‌های ادا شده در این مراسم شدیداً اعتراض شده و آنها را توهین به حزب کارگران سوسیالیست مجارستان و سوسیالیسم دانسته است.

ضمناً اتحاد شوروی کشیدن سیم خاردار در مرزهای دو کشور را مورد انتقاد قرار داد. یوری کاشلوف رئیس هیات نمایندگی شوروی در کنفرانس حقوق بشر در پاریس در برابر مطبوعات گفت من اطمینان دارم که وزرات خارجه شوروی نظر خود را در این ارتباط با مقامات رومانی در میان گذارده است.

رومانی در مرز مشترک خود با مجارستان که ۴۴۰ کیلومتر امتداد دارد، مشغول نصب سیم‌های خاردار به ارتفاع ۲٫۵ متر است. خبرگزاری مجارستان که این خبر را گزارش کرد، دلیل این امر را جلوگیری از مهاجرت اقلیت مجار ساکن رومانی اعلام داشت. در سال گذشته میان اقلیت مجار و دولت رومانی پیرامون سیاست‌های دولت درگیری‌هایی روی داد. از سوی دیگر در هفته گذشته رومانی به افاده حیثیت دولت مجارستان و حزب کارگران سوسیالیست مجارستان از ایمره‌ناگی، نخست‌وزیر این کشور در سال ۱۹۵۶ شدیداً اعتراض کرد و برگزاری مراسم تجلیل و به خاک سپاری مجدد ایمره‌ناگی و یارانش را "توهین آمیز"، "ضد سوسیالیستی" و

گشایش مرزهای کره شمالی

جمهوری دمکراتیک خلق کره مرزهای خود را در طی برگزاری سیزدهمین فستیوال جهانی جوانان که از روز ۲۳ ژوئن در پیونگ یانگ برگزار می‌شود، بر روی کره جنوبی گشوده است. دلیل این امر فراهم آوردن امکان شرکت جوانان کره جنوبی برای شرکت در این فستیوال است. دولت کره جنوبی در صدد جلوگیری از سفر جوانان به کره شمالی است. احتمال می‌رود تا ۵۰۰ نفر از جوانان و دانشجویان کره جنوبی در این فستیوال شرکت جویند.

پافشاری آمریکا بر حفظ

موشک‌های کوتاه برد

جیمز بیکر، وزیر امور خارجه آمریکا اعلام کرد که دولت آمریکا حتی پس از توافق میان پیمان‌های نظامی ناتو و ورشو مبنی بر کاهش نیروهای نظامی، بر موضع خویش مبنی بر حفظ موشک‌های هسته‌ای کوتاه برد خواهد ماند. او گفت: "سلاح‌های هسته‌ای نقش بی نظیر برای حفظ موضع پیمان ناتو مبنی بر استراتژی ترساندن ایفا می‌کند و حتی پس از کاهش نیروهای نظامی بخش اساسی استراتژی ما هستند."



اعتصاب عظیم کارکنان حمل و نقل ۲۴ ساعت تمام زندگی را در سراسر انگلیس فلج ساخت. این اعتصاب بزرگترین اعتصاب در ۶۰ سال اخیر بوده است.

کشتار مردم فلسطین توسط ارتش اسرائیل

سراسری را در مناطق اشغالی سازمان داد. هلیکوپتر جنایات ارتش و دارو دسته‌های نژادپرست اسرائیلی مقامات دولت اسرائیل حرکتی در جهت ممانعت از این اقدامات انجام ندادند. در اقلب موارد جانمایی که مرتکب قتل و کشتار مردم بی دفاع می‌شوند بدون آنکه مورد بازخواست دادگستری قرار گیرند با خیالی آسوده به جنایات خود ادامه می‌دهند. در مواردی نیز که کار به محکمه می‌کشد مرتکبین اقلب تبرئه و یا به مجازاتهای خفیفی محکوم می‌شوند. اکنون روزی نیست که تعدادی از مردم فلسطین در نواحی اشغالی توسط ارتش و یا باندهای شبه فاشیستی به قتل بقیه در صفحه ۷

بر اثر تیراندازی سربازان اسرائیلی در روز یکشنبه ۱۵ ژوئن در مناطق اشغالی فلسطین دهها نفر فلسطینی زخمی و کشته شدند. بخش اعظم این کشتارها در نوار قره رخ داد. یک جوان ۱۷ ساله فلسطینی بنام سلام همزید در شهر نابلس در اردن قربانی به وسیله سربازان به قتل رسید. چند ساعت قبل از این واقعه اکرم المانونی که ۲۱ ساله بود به هنگامی که در یک تظاهرات اعتراضی شرکت داشت به وسیله سربازان کشته شد. در طی هفته‌های اخیر تعداد زیادی از مردم فلسطین بدینگونه مورد انتقام ارتش اسرائیل و نیروهای دست راستی قرار گرفته و به قتل رسیده‌اند. بدنبال این رخدادها رهبری قیام فلسطین در اعتراض به این وحشیگری‌ها یک اعتصاب

سیر رویدادها در چین

در تضاد با آرمان‌های سوسیالیستی است

سیاست رفرم به‌جانه دفاع از رفرم مورد سرکوب قرار می‌گیرد. شایعاتی پیرامون برکناری ژائوزیانگ، رهبر حزب کمونیست چین، که از گسترش دموکراسی و رفرم سیاسی دفاع می‌کند وجود دارد. او رسماً مورد حمله قرار گرفته و مقصر قلمداد شده است و از سوی دیگر خبر تعویق اجلاس کنفره خلق (پارلمان چین) به مدت نامعلوم، که قرار بود روز پنجشنبه ۲۲ ژوئن برگزار شود، هم‌نشانی آن است که در چین تلاش برای بازگشت از سیاست رفرم، که ده سال بود در پیش گرفته شده بود، صورت می‌گیرد. محافظه‌کاران و کهنه‌اندیشانی که از گسترش دموکراسی خلق و از این که خلق امکان واقعی تعیین سرنوشت کشور را بیابد و از فروری پزیری پایه‌های قدرت خویش

در هفته گذشته اولین احکام اعدام در چین به اجرا درآمدند. در ابتدا ۳ نفر از دستگیرشدگان که متهم به آتش‌زدن قطاری شده بودند که از روی تظاهرکنندگان رد شده بود، به اعدام محکوم شده و تیرباران شدند. پس از آن احکام اعدام ۸ نفر اعلام شد. تلویزیون سراسری چین جلسات دادگاه‌هایی را به تفصیل نشان می‌دهد که احکام آنها از پیش صادر شده است. تقاضای دادگاه تجدید نظر محکومان از سوی دادگاه عالی چین رد شده است.

تاکنون ۱۳۰۰ نفر دستگیر شده‌اند که قرار است مورد محاکمه قرار گیرند. لی‌پنگ نخست‌وزیر چین که در دوران کنونی قدرت خود را هر چه بیشتر گسترش می‌دهد، در ملاقات با همایون خان، وزیر امور خارجه



صحنه‌ای از دادگاه یکی از اعدام‌شدگان

در هراسند، اکنون کارزاری همه‌جانبه برای سرکوب جنبش دموکراسی را به پیش می‌برند. اکنون باید دید لی‌پنگ و هم‌فکرانش پس از سرکوب "انقلاب ضد انقلابی" چگونه می‌خواهند سیاست رفرم را همان‌گونه که در نامه کمیته مرکزی مدعی پیشبرد آن شده‌اند پیش برند. باید دید که چگونه آنها تادرنند. به خواست‌های شرکت‌کنندگان در تظاهرات عظیم که در بیش از ۲۰ شهر بزرگ چین صورت گرفت، پاسخ دهند. چرا که توده‌های میلیونی دیگر بقیه در صفحه ۷

پاکستان گفت: "چین در شرایط دشواری به سر می‌برد. امروز می‌توان دوستان واقعی و دروغین را شناخت. "لی‌پنگ انتقاد بین‌المللی نسبت به اعدام‌ها را نوارد خواند و آنها را دخالت در امور داخلی چین ارزیابی کرد. اکنون بیشتر از گذشته آشکار می‌شود که تحت عنوان "سرکوب شورش ضدانقلابی" یک "انقلاب کوچک" نوهی کارزار سیاسی در جریان است. دادگستری چین این روزها وظیفه سیاسی و نه قضایی برعهده گرفته است. تحت عنوان سرکوب "شورش ضدانقلابی"،

برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثرت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر بستی و یارسید بانکی برداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك
۱۳ مارک	۱۱ مارک	<input type="checkbox"/> شش ماهه
۲۴	۲۱	<input type="checkbox"/> يك ساله

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك
۳۰ مارک	۲۷ مارک	<input type="checkbox"/> سه ماهه
۵۸	۵۲	<input type="checkbox"/> شش ماهه
۱۱۵	۱۰۲	<input type="checkbox"/> يك ساله

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO.263
MONDAY, 26 JUN 89

آدرس:
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
IBANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید